

## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان

\* پروین بابایی

\*\* فاطمه اکبری

### چکیده

تمدن ایران در ادوار تاریخی مختلف، دارای سبکی از پوشاک بوده که حتی امروزه، باوجود تأثیر پذیرفتن از سبک‌های غیر بومی، همچنان خصلت متمایز خود را حفظ کرده است. این الگوی پوشش، بر پایه فرهنگ، هنر، جهان‌بینی، زیست‌بوم، شیوه معیشت، اوضاع سیاسی و روابط این سرزمین با سایر فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و اقوام شکل گرفته و همواره متضمن درون‌مایه‌ای است که آن را به‌عنوان پوشش ایرانی، هویت می‌بخشد. از آنجا که سبک پوشاک و سبک زندگی، رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند، لازم است عواملی که سبک پوشاک یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند تا از این طریق، ارتباط سبک لباس با سبک و شیوه زندگی روشن‌تر شود. شرایط جغرافیایی و محیطی، نحوه زیست و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اعتقادات مذهبی، نظام طبقاتی حاکم بر جامعه، عوامل زیباشناختی و سایر مسایل از جمله عوامل شکل‌دهنده سبک پوشش جامعه هستند که در این مقاله به آنها پرداخته شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است.

**کلیدواژه‌ها:** پوشاک، سبک پوشاک، پوشاک ایرانیان، پوشش و لباس، رنگ و

جنس پوشاک

p.babai@tabriziau.ac.ir

\* دانشجوی دکتری هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

\*\* دکتری پژوهش هنر از دانشگاه شاهد و عضو هیئت علمی دانشکده فرش دانشگاه هنر اسلامی

fakbari54@gmail.com

تبریز

## مقدمه

از مهم‌ترین مشخصه‌های جوامع متمدن، ساختن و پرداختن پوشاک برای افراد مختلف جامعه است؛ چنان‌که در این جوامع، شاهد تفاوت پوشاک در گروه‌های مختلف شغلی، سنی، جنسیتی و... هستیم. بر اساس همین پیچیدگی و طبقه‌بندی‌های متفاوت، برخی از دانشمندان چنان نقش مهمی برای پوشاک و زیورآلات قایل‌اند که حتی تعریف مجرد از انسان را بدون در نظر گرفتن لباس او، تعریفی صرفاً ذهنی می‌دانند. به همین دلیل است که ارتباط پوشاک را با هنر، ادبیات، مذهب و نیز اقتصاد، طبقه یا حتی هویت اجتماعی نمی‌توان نادیده گرفت. قواعد معناداری که بر پوشاک جوامع سنتی حاکم است سبب شکل‌گیری هنجارهایی می‌شود که با ارزش‌های جامعه پیوندی مستقیم می‌یابد؛ به نحوی که هرگونه تغییر قواعد، به منزله هنجارشکنی و خروج از چارچوب‌های ارزشی جامعه تلقی می‌شود. این امر سبب می‌شود که تغییر و تحول در پوشاک جوامع سنتی به تدریج صورت پذیرد. امروزه با صنعتی شدن شیوه‌های تولید، تحولات پوشاک تحت تأثیر «مد»، سرعت قابل توجهی به خود گرفته است اما در این میان، نمی‌توان تأثیر سنت‌ها و ریشه‌های فرهنگی یا حتی شرایط جغرافیایی و معیشتی را بر سبک پوشاک از نظر دور نگه داشت. ایران در طول تاریخ، محل تاخت و تاز اقوام گوناگون بوده و به این ترتیب، هر یک از این اقوام، همچنان که از فرهنگ ایران تأثیر پذیرفته‌اند، به نحوی تأثیرگذار نیز بوده‌اند؛ بخصوص تجارت پارچه در پهنه جاده ابریشم تأثیرات قابل توجهی بر پوشاک ایرانیان برجای گذاشته است. در مقاله حاضر سعی بر آن بوده است تا عوامل مختلف و متنوعی که به شکل‌گیری یک سبک پوشاک خاص می‌انجامد، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. با توجه به اینکه سبک

## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۱۱

پوشاک یکی از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر سبک زندگی است، پرداختن به این موضوع، امری مهم است که سبک پوشاک ایرانی تحت تأثیر چه عواملی قرار داشته و بر اساس چه قواعدی شکل گرفته است؟ مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این سبک از پوشاک می‌پردازد.

### تعریف پوشش

شکل و فرم لباس در هر فرهنگی، تابع تعریف و هدف آن فرهنگ از به کار گرفتن لباس است. این مسئله زبان را نیز متأثر می‌سازد و سبب می‌شود که واژگان مربوط به پوشش در هر فرهنگی، حاوی معانی و مفاهیم فرهنگی همان جامعه باشد. غلامعلی حداد عادل در کتاب «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی» در تعریف پوشاک در فرهنگ ایران می‌نویسد:

در زبان فارسی واژه «پوشاک» از مصدر «پوشیدن» گرفته شده که به معنی پنهان کردن و از نظر دور کردن است. آنچه از واژه‌های پوشش، پوشاک و پوشیدن فهمیده می‌شود، این است که لباس وسیله‌ای است برای پنهان کردن تن و نمایاندن آن. به نظر می‌رسد مقصود و هدفی که مردم ایران از لباس در نظر داشته‌اند، به طور مستقیم در معنای این واژه جلوه‌گر شده است. اگر به ریشه کلمه لباس هم رجوع کنیم، شبیه همین نکته را در خواهیم یافت. مصدر «لبس» در عربی به معنای به اشتباه افتادن و چیزی را با چیز دیگر همانند پنداشتن و چیزی را به جای چیز دیگر گرفتن است و لبس در عربی به معنی شبهه و اشکال و عدم وضوح آمده است (به نقل از المنجد). در زبان فارسی نیز تلبیس و التباس به معنی عوض کردن و به صورت دیگر در آوردن و به

اشتباه انداختن به کاررفته است. از این منظر، لباس وسیله‌ای است برای از نظر دور داشتن شکل اصلی بدن و تغییر شکل دادن آن و آن را به شکل و گونه‌ای دیگر در آوردن و وسیله‌ای برای از بین بردن وضوح و مشخصات بدن. اینجا نیز می‌بینیم که فرهنگ یک قوم چگونه در زبان آن مستتر و متجلی است.<sup>۱</sup> (حداد عادل، ۱۳۶۳: ۴۱)

### اهمیت پوشاک در فرهنگ ایران

در سرزمین ایران، از دوران باستان تاکنون، لباس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ چنان‌که در اوستا و متون مربوط به ایران باستان، به بهانه‌های مختلف از آن سخن به میان آمده است. متون تاریخی مربوط به ادوار باستانی و نیز دوره اسلامی، از لباس ایرانیان به تفصیل یاد کرده‌اند و ایرانیان را ملتی خوش‌پوش و برازنده دانسته‌اند. گفته شده است که جنس و زیبایی لباس در ایران به پوشنده آن اعتبار می‌بخشد؛ چنان‌که هر چقدر فرد لباس بهتری داشته باشد، مورد توجه و احترام بیشتری قرار می‌گیرد. همچنین پوشاندن بدن، نشانه شرم و حیا بوده است. استرابون<sup>۲</sup> (سده یکم قبل از میلاد) می‌نویسد: «ایرانیان اگر بخشی از بدنشان برهنه باشد آن را بی‌شرمی می‌دانند و همیشه لباس بلند می‌پوشند؛ بیشتر مردم قبایی می‌پوشند که تا ساق پا را می‌پوشاند» (غیبی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). از نظر اسلام نیز میان حیا و پوشش، رابطه تنگاتنگی

۱. در مقایسه با زبان فارسی شاید این توضیح ضروری باشد که در زبان انگلیسی *dress* به معنی جامه زنانه از ریشه لاتینی *directus* گرفته شده و به معنی مستقیم کردن، مرتب کردن، آماده کردن، آراسته کردن و زینت دادن و ... است. در واقع در این زبان، معنی لباس، آراستگی، زیبایی و مرتب و منظم بودن است. همچنین در زبان انگلیسی برای خیاط زنانه واژه *dress-maker* به کار می‌رود، درحالی‌که به خیاط مردانه *tailor* گفته می‌شود.

2. Strabo

### بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۱۳

وجود دارد؛ به تعبیر بهتر، پوشش به‌خصوص درباره زن، از لوازم حیاست. با گذشت زمان و تحولات بسیاری که در زندگی مردمان این سرزمین روی داده است، نه تنها از اهمیت پوشاک کاسته نشده بلکه تا امروز جزء مسائل مهم مملکتی به شمار رفته و به‌خصوص در سده اخیر، بارها به موضوع اصلی سیاست‌های روز تبدیل شده است. لباس نیز مانند زبان، هویت قومی، اجتماعی و جغرافیایی، وابستگی‌های صنفی، سیاسی، مذهبی و شأن و منزلت اجتماعی و اقتصادی مردم را مشخص می‌کند. برای اینکه عملکرد اجتماعی و فرهنگی پوشاک را در هویت‌بخشی به اعضای جامعه دریابیم و بدانیم که چگونه پوشاک، هویت اجتماعی و فرهنگی فرد و جمع را در اجتماعات گوناگون ایلی - عشیره‌ای، روستایی - دهقانی و شهری، توجیه و تبیین و آنها را از یکدیگر جدا می‌کند، لازم است تن‌پوش‌های مردم را همچون مجموعه‌ای از علائم زبانی مادی بررسی و تحلیل کنیم. بنابراین، همچنان که می‌توان با تغییر زبان یک قوم، هویت قومی یا فرهنگی مردم آن را تغییر داد و از میان برد، از راه تغییر لباس اقوام نیز می‌توان از آنان هویت‌زدایی کرد و شاخصه‌های قومی - فرهنگی‌شان را از میانه زدود. (متین، ۱۳۸۳: ۲۰)

### عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشش در ایران

تلقى هر جامعه از لباس، به عوامل مختلفی مانند شرایط اقلیمی و جغرافیایی، شیوه‌های معیشت و تولید، نظام دینی و اعتقادی، نوع حکومت‌ها و جنگ‌ها و نیز تأثیرات سایر ملت‌ها بر جریان تبادلات اقتصادی یا تاخت و تازها بستگی دارد. با این توصیف می‌توان گفت که مؤلفه‌های مؤثر بر فرم و ترکیب لباس در طول تاریخ عبارت‌اند از:

### - شرایط جغرافیایی و محیطی

ایران از نظر آب و هوا و اقلیم، سرزمینی متنوع است؛ اما تنوع آب و هوا بیشتر بر جنس، رنگ و تعداد قطعات لباسی که مردم می‌پوشند تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که در مناطق گرمسیر از لباس‌های نازک‌تر و رنگ‌های روشن‌تر استفاده می‌شود؛ در حالی که در مناطق سردسیر، لباس‌های ضخیم، لایه‌لایه و رنگ‌های تیره و گرم بیشتر به چشم می‌خورد. اما با وجود این تنوع اقلیمی، به استناد منابع مختلف، هیچ‌گاه عریانی در فرهنگ ایران جایگاهی نداشته است؛ بن‌مایه قابل توجهی که ریشه‌های آن را باید در سایر مؤلفه‌های مؤثر بر لباس جستجو کرد. شایان ذکر است که آریاییان از مناطق سردسیر به فلات ایران مهاجرت کرده بودند و همین امر سبب شده بود که به سرما به عنوان پدیده‌ای اهریمنی بنگرند. از این رو، در منابع زرتشتی و بخصوص اوستا، پوشاک اهمیت بسیار زیادی دارد به نحوی که هر کس در این زمینه مرتکب اسراف شود، مستوجب کیفر می‌شود.

### - نحوه زندگی و اسکان و اوضاع اجتماعی

نوع زندگی یکجانشینی یا کوچ‌نشینی، همچنین زندگی در شهر که سازوکار پیچیده‌تری دارد و نیازمند تقسیمات متعدد اجتماعی است، با زندگی روستایی یا قبیله‌ای متفاوت است و این تفاوت در وجه عینی، خود را در لباس نمایان می‌سازد، به طوری که لباس مردمان شهرنشین تنوع و طبقه‌بندی‌های حساب‌شده‌تری نسبت به جوامع کوچک ایلی یا روستایی دارد. همچنین تقسیم‌بندی انواع پوشاک در جوامع بسته ایلی و روستایی، بیشتر تابع مؤلفه‌هایی همچون سن، جنسیت و نوع روابط خویشاوندی است اما در جوامع

## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۱۵

شهرنشین، روابط اجتماعی متنوع، شغل‌ها و پیشه‌های مختلف، گروه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی، همگی بر نحوه پوشش تأثیرگذار هستند. این امر بر تعدد پوشش‌هایی که هر فرد در موقعیت‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌دهد مؤثر واقع می‌شود و به این ترتیب، در قیاس با جوامع کوچک کوچ‌نشین یا روستایی که هر فرد با توجه به موقعیت خود تنها یک نوع پوشش را برمی‌گزیند، در جوامع بزرگ، پوشاک تنوع قابل توجهی دارد.

### - جنگ‌ها و اوضاع سیاسی و نوع حکومت

حکومت‌ها همواره اولین پایه‌گذاران تغییر و تحولات لباس بوده‌اند. گاهی پوشیدن لباسی به دلایل سیاسی یا دینی و مذهبی، ممنوع یا تبلیغ شده است. در تاریخ ایران نیز این‌گونه سیاست‌ها همواره وجود داشته است. همچنین در جریان جنگ‌ها و فتوحات، برخی از صنایع مربوط به ساخت پوشاک نابود می‌شد یا صنعت‌های جدیدی پا می‌گرفت و به این ترتیب، ملل فاتح و مغلوب به طور متقابل از پوشاک یکدیگر تأثیر می‌گرفتند. در دوران حمله اسکندر و حکومت جانشینانش در ایران، پوشاک ایرانیان نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر فرهنگ یونان قرار گرفت. همچنین با ورود اسلام به ایران و از بین رفتن طبقه‌بندی‌های اجتماعی دوران ساسانی، سبک پوشاک بسیار ساده‌تر شد. پس از این دوران، مغول‌ها بسیاری از نقوش و طرح‌های پوشاک شرق دور را با خود به ایران آوردند که تأثیرات آن، بخصوص در پوشاک درباری نمایان است. روابط گسترده صفویه با اروپاییان نیز اگرچه سبب رونق اقتصادی و شکوفایی هنری و فرهنگی این دوران شد، اندک اندک پوشش ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. بسیاری از چالش‌های مربوط به پوشاک از دوران قاجار و با

ورود علنی سبک‌های پوشاک اروپایی به ایران آغاز شد. همین امر، واکنش قشرهای مختلف جامعه از جمله علما و روحانیان، روشنفکران و نیز طبقه مردم عادی را برانگیخت؛ به طوری که بعدها با طرح مسئله کشف حجاب، این حرکت‌ها شدت بیشتری به خود گرفت.

### – شرایط و اوضاع اقتصادی و پیشرفت فناوری

اقتصاد همواره خود را در سبک زندگی افراد و پوشاک که از مظاهر آن است، نشان می‌دهد؛ بنابراین دوره‌های پررونق و شکوفای اقتصادی سبب افزایش تنوع، ظرافت و ارزش مادی لباس‌ها می‌شود. همچنین پیشرفت فناوری، تأثیر مستقیمی بر بافته‌ها و منسوجات هر جامعه‌ای دارد. به این ترتیب، مادامی که تولید منسوجات در پیشرفته‌ترین شکل زمان خود رواج داشت، لباس نیز از ظرافت، زیبایی و تنوع قابل توجهی برخوردار بود و در نتیجه این پیشرفت، پارچه‌های بافت ایران به نقاط مختلف جهان متمدن نیز صادر می‌شد. برای مثال، دوران صفویه، اوج اقتدار صنعت پارچه در ایران بود و بافته‌های ایرانی در جهان متمدن آن روزگار شهرت ویژه‌ای داشت. اما پس از باز شدن راه ورود کالاهای ارزان قیمت غربی در دوران قاجار، صنعت پارچه‌بافی رونق خود را از دست داد و بسیاری از حرفه‌های مربوط به این صنعت منسوخ شدند.

### – اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم

می‌توان گفت آنچه سبب شباهت فرهنگ پوشاک در نقاط مختلف کشور شده‌است، تا حد زیادی متأثر از اعتقادات مذهبی مشترک اقوام مختلف ساکن



## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۱۷

در فلات ایران است. به این ترتیب، تمام اقوام ایرانی عامل «پوشیدگی» را در لباس‌های خود مورد توجه قرار می‌دهند و به عبارتی، در هر دو محور هم - زمانی، و در - زمانی مؤلفه‌های مذهبی در پوشاک لحاظ می‌شود به طوری که در طول دوره اسلامی، پوشاک مطابق با احکام اسلامی طراحی و دوخته شده است؛ هر چند که براساس ساختار اجتماعی و مذهبی ایران باستان، مردمان این دوره نیز پوشش کامل داشته‌اند. طبق مندرجات کتاب «ملتقی‌الابحر»<sup>۱</sup>، لباس برای پوشاندن عورت و حفظ انسان از تأثیرات سرما و گرماست و بهتر است از پنبه یا کتان باشد، نه بسیار درخشان و نه چندان حقیر. زینت اگر به قصد نشان دادن الطاف و نیکویی‌هایی باشد که خداوند به ما ارزانی داشته، حرام نیست؛ ولی اگر تنها از سر غرور و خودنمایی باشد، مجاز شمرده نمی‌شود. (دزی، ۱۳۸۳: ۵)

### - نظام طبقاتی حاکم بر جامعه

تقسیم‌بندی‌های اجتماعی از ضرورت‌های جوامع متمدن است. این تقسیم‌بندی‌ها که به طور عمده بر تقسیم وظایف استوار است، منجر به ایجاد طبقات مختلف می‌شود. با طبقاتی شدن ساختار جامعه، ظواهر مربوط به هر طبقه، حالت انحصاری پیدا می‌کند. در واقع هر طبقه، از طریق رنگ یا فرم لباس، خود را از سایر طبقات متمایز می‌کند. در ایران، لباس زنان طبقات بالای اجتماع که به طور معمول مرفه بودند، ظریف‌تر و بلندتر از لباس سایر طبقات دوخته می‌شد زیرا این زنان در فعالیت‌های روزمره شرکت نمی‌کردند و لباس‌شان جنبه تشریفاتی و تمایزبخشی داشت. طبقات متوسط اجتماع در عین

۱. ابراهیم بن محمد حلبی (۱۴۰۹). ملتقی‌الابحر و معه التعلیق المیسر علی ملتقی‌الابحر. بیروت: موسسه الرساله.

اینکه به پوشیدگی بدن خود اهمیت می‌دادند، با توجه به نوع فعالیت‌ها، لباس‌های مستحکم‌تری را که از نظر اقتصادی نیز به صرفه باشد، ترجیح می‌دادند.

### – روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با سرزمین‌های مجاور

فرهنگ‌ها یک کل بسته، بدون ارتباط با جهان بیرون نیستند. بلکه همواره در حال تعامل با فرهنگ‌های دیگرند. این تعامل در سایه روابط و مبادلات اقتصادی یا روابط سیاسی کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. پوشاک در ایران، در دوره‌های مختلف از پوشاک فرهنگ‌های مغلوب یا غالب تأثیر پذیرفته است؛ اما با آغاز وابستگی به اروپا، لباس مردم ایران نیز تا حد زیادی تحت تبعیت مدهای غربی قرار گرفت.

### – عوامل زیبائشناختی

قرآن کریم آفرینش تزئینات را از لطف‌های خدا نسبت به بندگانش قلمداد کرده و تحریم زینت‌های دنیا بر خود را مورد انتقاد قرار داده است این موضوع در آیه ۳۲ سوره اعراف دیده می‌شود: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۱). پیغمبر اکرم ﷺ شخصی را دید که موهایش ژولیده و جامه‌هایش چرکین بود و بدحال می‌نمود. فرمود: «مِنَ الدِّينِ الْمَتَّعَةِ» یعنی تمتع و بهره بردن از نعمت‌های خدا، جزء دین است. و هم آن حضرت فرمود: «بَسَّسَ الْعَبْدُ الْقَاذِرَةَ» یعنی بدترین بنده، شخص چرکین و کثیف است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد. در برخی از قدیمی‌ترین کتاب‌ها مانند «کافی»، بحثی با عنوان «باب الزی و التَّجَمُّلِ» وجود دارد که به آداب تجمل و

## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۱۹

زیبایی در دین اسلام پرداخته‌است. موافق احادیث معتبر، بسیار زینت کردن و جامه‌های پاکیزه و فاخر پوشیدن، هرگاه از حلال به هم رسد و مناسب حال فرد باشد، سنت است و موجب خشنودی پروردگار می‌شود اما اگر از حلال به هم نرسد، به هر چه میسر شود، باید قناعت کند. اگر حق تعالی روزی را بر او فراخ گرداند، درخور آن بپوشد و صرف نماید و به برادران مؤمن بدهد. در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید، دوست می‌دارد که اثر آن نعمت را بر او ببیند و نیز حق تعالی زینت و اظهار نعمت را دوست می‌دارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن می‌دارد و دوست می‌دارد که اثر نعمت را در بنده خود ببیند به اینکه جامه خود را خوشبو دارد و خانه را نیکو دارد (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۳). بنابراین اسلام به کوتاه‌کردن و شانه کردن مو، به کار بردن بوی خوش و روغن زدن به سر، سفارش‌های اکید کرده است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۹)

از سویی جنس و زیبایی لباس در شرق به پوشنده آن اهمیت و اعتبار می‌بخشید. تاورنیه<sup>۱</sup> اصطلاح فارسی «قربت به لباس» را چنین معنی می‌کند: «هر طور لباس بیوشی به همان درجه مورد توجه و احترام هستی و با لباس خوب به دربار و نزد بزرگان می‌توان رفت» (دزی، ۱۳۸۳: ۱۰). همچنین باید توجه داشت که زیبایی در مکتب ایران باستان نیز همواره با نیکی پیوند خورده است و زیبایی‌های موصوف، همه نمودهایی از آرمان نیکی هستند، چنان‌که در توصیف ایزد اشی<sup>۲</sup>، صفت زیبایی با صفات نیکی و درخشندگی همراه است. (دوستخواه، ۱۳۷۸: ۴۶۸)

---

1. J.B. Tavernier

۲. از جمله ایزدان دین زرتشتی است.

## زمینه‌های تأثیرپذیری پوشاک

عوامل ذکرشده به طور معمول از چند نظر بر شکل پوشاک تأثیر می‌گذارند که عبارت‌اند از:

۱. شکل و میزان پوشانندگی لباس: شکل و میزان پوشانندگی لباس، طیف وسیعی از شرایط اقلیمی و آب و هوایی، اعتقادات دینی و مذهبی، ساختار طبقاتی جامعه، زیباشناسی و نیز تأثیر سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را در بر می‌گیرد. برای مثال، ایرانیان دریافته بودند که لباس‌های بلند، آدمی را بلندبالا نشان می‌دهد (کخ، ۱۳۸۵: ۲۳۶). همچنین نمادی از اشرافیت و نشانه تمایز طبقات بالای جامعه از سایرین هستند، به همین منظور درباریان و اشرافیان از لباس‌های بلند که گاهی روی زمین کشیده می‌شد، استفاده می‌کردند؛ اما مردم طبقات عادی به دلیل صرفه‌جویی در میزان پارچه مصرفی و نیز اشتغال به فعالیت‌های روزمره، از پیراهن‌های کوتاه‌تر استفاده می‌کردند. علاوه بر این، تعالیم زرتشتی و اسلامی هر دو در خصوص قد لباس نظرهای کاربردی و ملموس ارائه داده‌اند. چنان‌که براساس تعالیم زرتشتی قد لباس باید به اندازه‌ای باشد که افراد را در موقع کار کردن آزار ندهد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۵۶)؛ همچنین در منابع اسلامی، پوشیدن لباس‌های بسیار بلند نهی شده است؛ زیرا این لباس‌ها هم امکان آلودگی بیشتری دارند و هم نشانه اشرافیت و برخی خلق و خوی‌های ناشی از این منش، همچون تکبر و فخرفروشی هستند (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۸)؛ اما قرآن کریم به صراحت زنان را از خودنمایی و تبرج نهی فرموده است. تفاسیر متعدد نیز بر لزوم پوشیدگی زنان تأکید کرده‌اند. حتی برخی از تفاسیر عرفانی، زن را مظهر صفات جمال خداوند دانسته‌اند و لزوم پوشیدگی بدن زن را از این طریق توجیه کرده‌اند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۶: ۴۲۶).

## ۲۱ ❖ بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان

اما در هر صورت نمی‌توان از اهمیت زیباشناختی پارچه در فرهنگ ایران و استفاده از پارچه‌های متعدد با رنگ‌های متنوع در ترکیب‌بندی لباس غافل شد؛ زیرا نمایش زیبایی و بهای پارچه، با افزایش سطح پارچه مورد مصرف، جنبه پررنگ‌تری به خود می‌گیرد؛ این نمایش رنگ و نقش، گاه چنان پررنگ ظاهر می‌شد که اس.دی. گوتن<sup>۱</sup> با مشاهده مراتب رنگ پوشاک هر دو جنس زن و مرد در عالم اسلام، آن را «مستی رنگ‌ها» نامیده است. همچنین نوع آب و هوا و اقلیم و نیز اهمیت پاکیزگی در فرهنگ ایرانیان، سبب اتخاذ شیوه‌هایی از پوشاک شده است که در آن، حداکثر محافظت از پوست بدن و نیز حفظ پاکیزگی و دوام لباس لحاظ شده باشد. در هر حال یکی از مواردی که لباس زنانه را از پوشاک مردان متمایز می‌کند، استفاده از پوشش چادر است که بخصوص در بین زنان شهرنشین رواج داشته و از پوشش‌های مهم در ادوار مختلف ایران بوده است؛ به طوری که حتی در دوره‌های اخیر دلالت سیاسی نیز پیدا کرده است. چادر جز در موارد معدود، پوششی است یک تکه، بدون دوخت و برش خاص. اگر پوشاک ایرانی را پوششی برای پنهان کردن بدن بدانیم، چادر به بیشترین میزان این منظور را تأمین می‌کند. البته انعطاف چادر را به عنوان پوششی برای معنا دادن به رفتارهای زن در اجتماع نیز نباید از نظر دور داشت. در واقع چادر به بانوان این امکان را می‌دهد که حریم خود را نسبت به اطرافیان در درجات مختلف تنظیم کنند؛ اما نوع زندگی جوامع ایلی و روستایی که مبتنی بر نظام خویشاوندی و فعالیت‌های متعدد بود، سبب می‌شد که اینان پوشش‌های آزادتری داشته باشند و پوشیدگی را از راه‌های دیگری تأمین کنند. در برخی ادوار، چادر به عنوان یک پوشش اشرافی و ممتاز

---

1. S.D.Goitein

طبقاتی مطرح شده است اما امروزه، بیشتر دلالت بر پاییندگی زنان به ارزش‌های مذهبی دارد.

لازم است به این مؤلفه‌ها، دستورات دین اسلام درباره پوشش و حجاب نیز افزوده شود که مبتنی بر عفت عمومی جامعه و حفظ امنیت اجتماعی زن و به تبع آن، نظام خانواده است. برای این منظور تفاسیر متعددی از آیات مربوط به حجاب ارائه شده است که در مجموع، بر لزوم پوشیدگی بدن و تفکیک پوشاک اندرونی مربوط به حریم خانواده از پوشاک بیرونی زنان در سطح اجتماع تأکید می‌ورزد.

**۲. رنگ در پوشاک:** رنگ پوشاک در ایران بسیار مهم بوده و ایرانیان به رنگ و نقش لباس خود توجه بسیار داشته‌اند. رنگ در دوره هخامنشی به‌عنوان نشان طبقات مختلف اجتماع مطرح شد و در سایر دوره‌ها نیز کمابیش نقش مهمی در تقسیمات مختلف اجتماع ایران ایفا کرد. در فرهنگ ایران رنگ خاصی تحریم نشده است؛ در تفسیر برخی روایات و تعمیم دادن آنها به تمام دوره‌های تاریخی نیز باید احتیاط کرد. برای مثال، رنگ سفید بسیار مورد تأکید قرار گرفته است اما همان طور که از روایات برمی‌آید، به دلیل حساس بودن آن در برابر آلودگی، سبب دلمشغولی می‌شود؛ به همین دلیل در بسیاری از مواقع قابل استفاده نیست. همچنین باوجود اینکه بر کراهت رنگ سیاه تأکید شده است، این رنگ بخصوص برای پوشاک زنان، ارزش نمادین به خود گرفته است؛ به این ترتیب، هیچ رنگی را نمی‌توان به طور کلی رد کرد. آنچه از نظر دین اسلام جایز شناخته نشده است، لباس اشتهاور است و رنگ نیز از ویژگی‌های چنین پوششی می‌تواند به شمار آید. بر این اساس، افراد مجاز نیستند لباسی که ضد هنجارهای جامعه باشد، بپوشند؛ هنجارهای هر دوره‌ای

نیز به طور طبیعی و تحت تأثیر شرایط دوران خود شکل می‌گیرند. برای مثال، چادر در دوره‌های مختلف به رنگ‌های گوناگونی از جمله بنفش، نیلی، سیاه، سفید، مُخَطَّط و نقشدار رواج داشته است و امروزه نیز طبق مُد روز، هر بار با طرح و نقش متفاوت به بازار می‌آید. همچنین آنچه درباره رنگ پوشاک زنان در فرهنگ ایران اهمیت دارد، این است که رنگ لباس نباید جلب‌توجه کند؛ بنابراین اگر شرایط لباس جامعه به نحوی است که مردمان آن لباس‌های رنگارنگ می‌پوشند، به طور طبیعی هیچ رنگی غیرمجاز نخواهد بود؛ چنانکه بین عشایر و روستائینان رایج است؛ اما جوامع شهری به طور معمول، زرق‌وبرق بسیار را بخصوص در امور روزمره بر نمی‌تابند و عموماً در محیط‌های کار، بر یکدستی و جلب‌توجه نکردن افراد، بخصوص زنان تأکید می‌شود.

**۳. جنس:** درباره جنس پوشاک توصیه‌های متعددی وجود دارد. در دین زرتشت بیشتر بر پوشش‌هایی که از پنبه و کتان تهیه می‌شوند، تأکید شده است. ابریشم محصولی اهریمنی تلقی شده و بنابراین، پوشیدن پوشاک ابریشمی مذموم شمرده شده است. در دین اسلام نیز لباس زربفت و ابریشمی برای مردان تحریم شده است؛ اما زنان در این مورد آزادی بیشتری دارند و به جز لباس‌هایی که از پوست مردار یا حیوان حرام‌گوشت تهیه می‌شود- و برای هر دو جنس حرام است - مجاز به پوشیدن هر جنس پارچه‌ای هستند. پوشیدن لباس پشمی نیز جز در سرمای شدید کراهت دارد؛ اما در کل زنان نباید لباسی بپوشند که نازک و بدن‌نما باشد. باوجود این تأکیدات می‌دانیم که پارچه‌های زربفت ابریشمی عمده‌ترین و اصلی‌ترین محصول نساجی در ایران بوده‌اند. درباره این موضوع که پارچه‌های گرانبها مخصوص طبقات مرفه

جامعه بوده‌اند، بحثی نیست. شاید دلیل نهمی از پوشیدن ابریشم یا طلا مخالفت با تفاوت‌های طبقاتی بین مردم بوده باشد؛ اما این نکته را نیز باید مورد توجه قرارداد که الیاف گیاهی مانند پنبه و کتان، سازگاری بیشتری با پوست بدن دارند و تهیه این الیاف مستلزم کشت و کار و آبادانی زمین است؛ درحالی‌که پوشش‌هایی که از الیاف حیوانی تهیه می‌شوند، ممکن است سبب آسیب زدن به موجودات زنده شوند. همچنان که ابریشم با کشتن کرم ابریشم و لباس‌های پوستی، با کشتن حیوانات تهیه می‌شود.

### جمع‌بندی

آنچه گفته شد طرحی کلی و مقدماتی برای بازکردن مسیر احیای سنت‌های ایرانی - اسلامی و استفاده از زیبایی‌های هنر بومی بر اساس باورها، ارزش‌ها و اسطوره‌های این سرزمین و نیز توجه به کارکردهای لباس سنتی در حفظ و هویت‌بخشی به سبک زندگی ایرانی - اسلامی است. در فرهنگ ایران، پوشاک بر مبنای رعایت حریم و حیا طراحی شده است؛ بنابراین لباس در بیرون از حریم خصوصی محارم، نمی‌تواند برای برجسته ساختن زیبایی جسم و یا تأکید بر فرم بدن به‌کار رود؛ همچنین در اصل، نمایش زیبایی در پوشاک ایرانی، با نمایش طرح و نقش پارچه و لباس صورت می‌پذیرد؛ نه نمایان ساختن اندام. لباس بانوان در فرهنگ ایرانی بر مبنای عناصری همچون زیبایی، کاربرد و قابلیت تولید حریم برای فرد پوشنده طراحی یا انتخاب می‌شود و به این منظور، قسمت‌های مختلف لباس به گونه‌ای تنظیم و طراحی شده‌اند که در مراحل و درجات مختلفی ایجاد حریم می‌کنند. از سوی دیگر، عوامل اقلیمی و آب و هوایی، به شدت بر سبک پوشاک تأثیرگذارند و سبب می‌شوند که در



## بازنمایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک پوشاک ایرانیان ❖ ۲۵

هر منطقه جغرافیایی، نوع خاصی از پوشاک مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که سبک پوشاک و سبک زندگی در امتداد یکدیگر واقع شده‌اند و نسبت به یکدیگر، تأثیر و تأثر دارند، پرداختن به عوامل و مؤلفه‌های شکل‌گیری سبک پوشاک، خود سبب توجه بیشتر و دقیق‌تر به عوامل مؤثر در روند و جهت‌گیری سبک زندگی است. الگوی ایرانی - اسلامی همواره بر حفظ تعادل استوار بوده و این مسئله در پوشاک نیز به خوبی نمایان است زیرا در تمام اصول مربوط به پوشاک، شرایط آب و هوایی، ارزش‌ها و اعتقادات، وضعیت معیشت و اقتصاد، زیبایی جسم و روح در نظر گرفته شده است.

## منابع

۱. آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۶). کتاب پنجم دینکرد؛ آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه. تهران: معین.
۲. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۶). زن در آینه جمال و جلال. قم: مرکز نشر اسراء.
۳. حدادعادل، غلامعلی (۱۳۶۳). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش.
۴. حلبی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۹). ملتقی الابحر و معه التعلیق المیسر علی ملتقی الابحر. بیروت: موسسه الرساله.
۵. دزی، راینهارت پیتر آن (۱۳۸۳). فرهنگ البسه مسلمانان. ترجمه حسینعلی هروی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. دوستخواه، جلیل (۱۳۷۸). اوستا. تهران: مروارید.
۷. غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵). هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.
۸. کخ، هاید ماری (۱۳۸۵). از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی. ج ۱، تهران: کارنگ.
۹. متین، پیمان (۱۳۸۳). پوشاک در ایران زمین. مقدمه علی بلوکباشی. تهران: امیرکبیر.
۱۰. مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۷۸). حلیه‌المتقین. تهران: دل‌آگاه.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
۱۲. معلوف، لوئیس (۱۳۸۲). المنجد فی اللغه. قم: دارالعلم.